

سپرده‌های قرض الحسنه: به امید یک هوای تازه‌تر

امیر جعفرزاده



کافی است در روز برای لحظاتی تلویزیون تماشا کرده باشید، تا ببینید حجم تبلیغات تلویزیونی در خصوص جایزه‌های قرض الحسنه بانک‌ها و قرض الحسنه‌ها به چه میزان است. بخصوص بعد از ایام عید و نزدیک شدن به پایان مهلت ثبت نام در یکی از قرض الحسنه‌ها، این تبلیغات به شدت دیده می‌شوند.

چند سال پیش بود که مسابقات تلویزیونی متنوع و زیادی در شبکه‌های مختلف به وجود آمدند. مسابقاتی که در اوج به وجود آمدنشان، هزینه‌های هنگفتی برای جوایز برندگان متحمل می‌شدند و امروز هم مسابقات تلویزیونی فراوانی وجود دارند البته با جوایز کمتر و کم‌ارزش‌تر. اما هنوز به نسبت بسیار زیادی وجود دارند.

مکالمه دو نفر در خصوص کار با یکدیگر:

نفر اول: فلانی خوب پول در میاره‌ها

دومی: آره، اما کارش یه ایرادی داره.

اولی: چه ایرادی؟

دومی: کارش این جور نیست که یک دفعه‌ای پول زیادی گیرش بیاد. حقوقش خوبه، اما کار خوب دلایله. کم کار می‌کنی و یک دفعه پول در میاری.

چرا مردم به سوی شرکت در این قرض الحسنه‌ها پیش می‌روند؟ یعنی شرایط اقتصادی در کشور برای پس اندازهای کوچک به چه شکلی است که موجب شده برای مردم بیرزد که در این آزمایشگاه‌های بخت آزمایی شرکت کنند؟

برای این مساله می‌توان دلایلی نظیر بی‌کاری، عدم وجود راه‌های مطمئنی برای پولدار شدن یا برنامه‌ریزی، وجود فرهنگ بدون کار پول در آوردن، وجود منابع رانتی فراوان، وجود

سپرده‌های قرض الحسنه این بانک است. بنابراین حداقل ۲۰ میلیارد تومان مبلغ سپرده‌های این بانک به صورت قرض الحسنه می‌باشد. با توجه به اینکه برای این نوع حساب، سود سپرده در نظر گرفته نمی‌شود، بنابراین اغلب کسانی در این بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند که دارای سرمایه‌های کوچک باشند. بنابراین متوجه خواهیم شد تعداد افرادی که سرمایه‌های خردشان را در این بانک به صورت قرض الحسنه گذاشته‌اند، بسیار زیاد خواهد شد. در حالی که ما فقط یک بانک را بررسی کردیم. اگر همه بانک‌ها و البته خود سیستم‌های قرض الحسنه را در نظر بگیریم، خواهیم دید که میزان استقبال از حساب قرض الحسنه چه مقدار باورنکردنی خواهد شد.

حال باید دید چرا سیستم‌های قرض الحسنه در ایران به میزان بسیار زیادی مورد توجه قرار می‌گیرند؟ به نظر من جواب بسیار ساده است: چون می‌ارزد. در مورد اینکه چرا می‌ارزد توضیح خواهیم داد.

اصولا در بررسی‌های اقتصادی متوجه می‌شویم که همه رفتار اقتصادی افراد به این دلیل است که آن فعالیت یا رفتار می‌ارزد. یعنی یا سود را حداکثر می‌کند یا ضرر را

سیستم پاداش دهی اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی که به ضابطه و توانمندی‌های افراد ارجح نمی‌نهد و به رابطه یا شانس افراد بستگی دارد. نبود بازار سرمایه یا بازاری که پس اندازهای کوچک را جمع‌آوری و به آنان سود بدهند، و دارای تنوع باشد تا عموم مردم را پوشش و ریسک را کاهش دهد.

اما در این مقاله به این مساله می‌خواهم تمرکز کنم که سپرده‌گذاری قرض الحسنه به امید برنده شدن جایزه‌های بزرگ یک کار عقلایی است و می‌توان ثابت کرد که این کار با توجه به شرایط اقتصادی کشور، احتمال ارزش اقتصادی برای افراد خواهد داشت.

آیا تا به حال شده به این مساله فکر کنید که چرا جوایز بانک‌ها مورد استقبال بسیاری از مردم قرار گرفته است؟ اگر یک حساب سرانگشتی کنیم، شدت استقبال را می‌توانیم حدس بزنیم. تنها در یکی از تبلیغات تلویزیونی بیش از یک میلیارد جایزه تبلیغ می‌شود. مسوولان سیستم‌های قرض الحسنه بانک‌ها نیز اعتقاد دارند که مبالغ جوایز از ۲ تا ۵ درصد از مبلغ سپرده‌ها تامین می‌شود. حال اگر فرض کنیم در بانک مزبور، مبلغ فوق ۵ درصد باشد، یعنی بیش از یک میلیارد تومان جایزه‌ای که تعلق می‌گیرد تنها ۵ درصد از کل

کند و لذت ببرد، (و یا حتی زندگی بکند) آیا به کسانی که سرمایه‌های خرد خودشان را در سپرده‌های قرض الحسنه می‌سپارند، نباید حق بدهیم؟

در حقیقت سیستم پاداش دهی اقتصادی و اجتماعی در ایران به شکلی است که سرمایه‌های خرد را در جهت فعالیت‌های سوداگرانه سوق می‌دهد.

شاید این سوال پرسیده شود که چرا به سپرده‌گذاری به شکل قرض الحسنه فعالیت سوداگرانه می‌گوییم؟ مشخص است: زیرا آنان به خاطر برنده شدن احتمالی جایزه بزرگ آن پول‌هایشان را در این قسمت می‌گذارند.

زیرا هیچ راه دیگری برای اینکه بتوانند در زمان نسبتاً معقولی حداقل سرپنهایی برای خود دست و پا کنند، وجود ندارد.

در حقیقت مردم به صورت ناخودآگاه یک محاسبه انجام می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که سپرده‌گذاری در سپرده قرض الحسنه می‌ارزد. آن محاسبه هم این است که احتمال برنده شدن در جایزه بزرگ این سپرده‌ها، که مبلغ بسیار هنگفتی برای فرد است، با اینکه عدد بسیار کوچکی است، اما صفر نیست. اما با توجه به شرایط اقتصادی رسیدن به چنین مبلغی در کمتر از یک سال، و با سرمایه خرد، صفر است. هیچ فعالیت اقتصادی قانونی وجود ندارد که فرد در آن بتواند در زمان نسبتاً کوتاهی (کمتر از ۵ سال) منابع مالی مناسبی برای تشکیل زندگی مستقل برای جوانان و یا زندگی در سطح بالاتر و ارتقای اجتماعی برای مسن‌ترها، در اختیار فرد بگذارد.

حتی با وجود اینکه سال‌های فراوانی برای اغلب افراد وجود داشته که در سیستم قرض الحسنه برنده جایزه‌ای هم نشده‌اند، اما باز هم قسمتی از پولشان را به این شکل باقی می‌گذارند. زیرا احتمال برنده شدن هیچ موقع صفر مطلق نیست و نسبت به شریایی که رسیدن به چنین پولی صفر مطلق است، می‌ارزد.

در حالی که در کشورهای پیشرفته، فرمول‌های قانونی و راهکارهای اقتصادی برای افرادی که می‌خواهند وضعیت‌شان را بهتر از وضع موجود کنند، وجود دارد. لذا با انجام آن فعالیت‌ها توسط اکثر مردم، اقتصاد کشورشان هم رشد و توسعه می‌یابد و هم فرد ارتقای اقتصادی و اجتماعی پیدا می‌کند.

سیستم پاداش دهی اجتماعی و اقتصادی در کشورهای توسعه یافته به صورتی است که کارهای مولد را تشویق می‌کنند. اما در ایران این سیستم در جهت سوداگری و یک شبه پولدار شدن سوق می‌یابد.

با توجه به مباحث گفته شده، باید منتظر توسعه و رشد هر چه بیشتر سپرده‌های قرض الحسنه در کشور باشیم. تا سال‌های زیادی در آینده، تبلیغات متنوع و پرهزینه بانک‌ها و رقابت با هم در جذب این سپرده‌ها را شاهد خواهیم بود و همچنان بیشترین تبلیغی که تا سال‌های آتی در صفحه رنگارنگ تلویزیون شاهد خواهیم بود، تبلیغات جوایز سپرده‌های قرض الحسنه خواهد بود.

در ضمن بسیاری از کسانی که در آمار و ارقام به عنوان بیکار تلقی نمی‌شوند، (کسانی که در هفته بیش از ۱ ساعت کار می‌کنند)، دارای درآمد بسیار کمی هستند. درآمدی که نمی‌تواند هزینه‌های افراد را پوشش دهد و موجب می‌شود پدیده چند شغلی به وجود بیاید. بنابراین بسیاری با شب و روز کار کردن، صرفاً توقع دارند، مخارج روزمره خود را تأمین کنند.

نورم

وضعیت تورم نیز یکی از مسائلی است که موجب شده قدرت خرید بسیاری از دهک‌های پایین درآمدی کم شود. افزایش ۵ یا ۶ درصدی کارگران و کارمندان در کنار تورم دورقمی (در سال ۸۶ بیش از ۱۸ درصد) موجب شده که بسیاری نسبت به قدرت خرید خود در آینده نگران باشند.

در کنار تورم دورقمی (که ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که دارای تورم دو رقمی است) افزایش با شتاب فراوان مسکن را باید مورد توجه قرار داد. در ایران در دهه‌های اخیر همواره زمین و مسکن افزایش قیمت داشته‌اند. البته سرعت افزایش قیمت در سال‌های اخیر به شدت فزونی یافته، به گونه‌ای که در تهران در یک سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت مسکن وجود داشت. بنابراین با وجود حتی درآمدهای نسبتاً خوب به صورت معین و ماهانه نیز حداقل باید ۱۰ یا ۱۵ سالی فرد صرفاً کل درآمدش را پس‌انداز کند تا بتواند با توجه به قیمت‌های الان، مسکنی تهیه کند. در حالی که وی به خوبی می‌داند، مسکن در حال افزایش قیمت می‌باشد. تقریباً امیدی برای افرادی که دارای درآمدهای کمتر از سطح عالی هستند، برای خرید خانه کمتر از ۲۰ سال وجود ندارد. در حالی که داشتن خانه مستقل آرزوی منطقی هر فردی است.

بازار مالی

بازار مالی در هر کشوری به منظور جمع‌آوری پس‌اندازها بخصوص پس‌اندازهای خرد و هدایت این منابع در جهت تولید و سرمایه‌گذاری‌های مولد فعالیت می‌کنند. بازارهای مالی طبیعتاً باید دارای سبدهای متفاوتی برای افراد با خصوصیات مختلف باشند. مثلاً هم برای افراد ریسک‌پذیر و هم ریسک‌گریز. این تنوع موجب می‌شود که اغلب سرمایه‌های خرد در بازارهای مالی و حتی به شکل پورتفولیوی متنوعی از دارایی‌ها به کار گرفته شوند. در این صورت به غیر از تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌ها، سپرده‌گذاران در بازارهای مالی نیز، سود مورد علاقه خود را می‌برند.

اما در ایران بازارهای مالی نتوانسته‌اند گسترش یابند. بازار بورس بعد از دوران رونقش در ۴ و ۵ سال پیش به شدت سیر نزولی داشته‌است و بعد از آن که بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد در این بازار در این چند سال اخیر ضرر کردند، استقبال از آن کمتر شد. بازارهای مالی دیگری هم وجود ندارند مگر بانک‌ها.

حال با توجه به این مسایل گفته شده، و این میل ذاتی در بشر که دوست دارد هر چه سریع‌تر از امکانات بیشتری استفاده

حداقل. بنابراین موضوع استقبال از قرض الحسنه‌ها در همین چارچوب قابل تحلیل است. یعنی برای اغلب کسانی که اقدام به این کار می‌کنند می‌ارزد که چنین کاری کنند. و گرنه می‌توانند پولشان را در جاهای دیگری بسپارند. اما ترجیح آنها به سپرده‌گذاری به صورت حساب قرض الحسنه که سود هم به آن تعلق نمی‌گیرد، حاکی از این است که چنین کاری برای آنان از لحاظ اقتصادی منطقی است.

حال باید عواملی را بررسی کنیم که نشان می‌دهد این فعالیت برای مردم از لحاظ اقتصادی منطقی است. یعنی این فعالیت به صورت عقلایی انجام می‌گیرد.

برای این کار باید بازار کار و وضعیت تورم بخصوص در مورد مسکن و بازار مالی را بررسی مختصری کنیم.

بازار کار

در سال ۸۳ نرخ بیکاری ۱۲/۳ درصد بوده است. این در حالی است که بیکاری جوانان در آن سال ۲۶/۲ درصد بوده. طبق برنامه‌ی چهارم، تا انتهای برنامه چهارم باید نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد برسد. بر همین اساس، در هر سال اجرای برنامه چهارم توسعه، به طور میانگین باید ۹۰۰ هزار شغل ایجاد می‌شد تا با ایجاد اشتغال برای چهار و نیم میلیون نفر، نرخ بیکاری به ۸/۴ درصد برسد.

آنچه در این سال‌ها حایز اهمیت است، شکل‌گیری جمعیت ۳۶ میلیونی زیر ۲۵ سال است که تا پایان قرن شمسی حاضر، بر همه‌ی ارکان اقتصادی و اجتماعی به ویژه بازار کار کشور اثر خواهد گذاشت.

در حالی که آمار و ارقام رسمی بخصوص در دو سال اخیر در خصوص بیکاری به صورت محافظه‌کارانه‌ای ارایه می‌شود، اما باز هم وضعیت نگران‌کننده است. ایران از جمله کشورهایی است که نرخ بیکاری در آن دو رقمی است. و هدف برنامه چهارم رساندن این نرخ به ۸/۴ درصد است که به نظر بسیاری از کارشناسان در صورتی که آمار بیکاری به شکل درستی تهیه و ارایه شود، توان رسیدن به این نرخ بیکاری وجود ندارد.

بخصوص اگر نرخ بیکاری برای افراد تحصیل کرده در نظر گرفته شود، نرخ بیکاری تحصیل کرده‌گان در سال ۱۳۸۳ بیش از نرخ بیکاری عمومی کشور بوده است. و با توجه به این که تغییر مثبت و محسوسی در سیستم آموزشی به وجود نیامده است، به نظر می‌آید نرخ بیکاری تحصیل کرده‌گان همچنان بیشتر از بیکاری عمومی باشد. با توجه به اینکه تعداد تحصیل کرده‌گان به صورت فزاینده‌ای در حال افزایش است، به نظر می‌آید وضعیت اشتغال برای تحصیل کرده‌گان دشوارتر می‌نماید. چه بسیار تحصیل کرده‌گانی که در شغل‌هایی غیر از تخصص خود مشغول به کار شده‌اند و چه بسیار تحصیل کرده‌گانی که به خاطر نبود کار مناسب به مسافر کشی روی آورده‌اند. با توجه به جداول فوق و تحلیل فوق، صرف پیدا کردن کار آبرومندی حتی اگر هم شرایط مناسب کاری و حقوق و مزایای مناسبی نداشته باشد، توسط افراد پذیرفته می‌شود.